

مقدمه

سرنوشت تاریخی دانشمندان، بسته به وضع سیاسی - اجتماعی و دیگر شرایط زمان آنها و دوران بعدی گوناگون است. برخی از آنها که در دوران نسبتاً آرام تاریخ در محیط کم و بیش فرهنگ پرور شهرها و سرزمینها زاده شده و می‌زیسته‌اند، انگیزه لازم را برای خلاقیت به دست آورده، در زادگاه خود و بیرون از آن به خوبی شناخته شده‌اند و کارهایشان شهرت یافته و از نظر تاریخی ارزشمند شده است. کارهای آنها از دید تاریخی به علم یاری رسانده است، به ویژه اگر نوشته‌های این دانشمندان به مقدار زیاد به ما رسیده و به آسانی در دسترس پژوهشگران قرار گرفته باشد. نسلهای سپاسگزار پس از سده‌ها پاداش خدماتشان را ادا می‌کنند، میراثشان را به تفصیل بررسی می‌کنند و مجسمه‌های باشکوه برپا می‌کنند.

آثار بسیاری از دیگر اندیشمندان شرق در سده‌های میانه (و حتی نام آنها) به علت این یا آن رخداد (از دست رفتن، اندک بودن یا عدم دسترسی به کارها) ناشناس مانده، یا کم شناخته شده است.

ابومحمود خجندی دانشمند سده دهم میلادی معاصر ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی از جمله این دانشمندان است. او اهل شهر باستانی خجند تاجیکستان بود، در دوران بلوغ به خوارزم و از آنجا به ری، مرکز بزرگ علمی خاورمیانه،

رفت و در آنجا بی‌درنگ به پژوهش ریاضیات و اخترشناسی پرداخت و ساختمانهای تازه‌ای برای ابزار اخترشناسی ساخت. سالهای دراز همکاری سودمند علمی‌اش با بیرونی، که خجندی را یکی از معلمان خود می‌دانست، بسیار اهمیت دارد.

ابومحمود خجندی نوشته‌های علمی زیادی دارد که تنها بخش کوچکی از آنها به ما رسیده است. او ابزار مهم رصدخانه‌های اخترشناسی سده‌های میانه — سدس (سکستان) — را اختراع کرد که به یاری آن توانست سهم مهمی در علم ادا کند. سدس خجندی که به وسیله خود او در ری ساخته شده بود، سپس در سده پانزدهم میلادی / نهم هجری در رصدخانه سمرقند و در یک سلسله از رصدخانه‌های شرق سده‌های میانه بازسازی شد.

ابومحمود خجندی دانشمند و طراحی بزرگ بود، اما با سرنوشت تاریخی دشواری روبه‌رو شد. علت عمده، ناپدید شدن اثرهای او در ژرفای سده‌هاست که تنها برخی از آنها به جا مانده، دشواری جست‌وجو و گردآوری اطلاعات در باره او و نوشته‌هایش، دشواری بازسازی میراث این دانشمند و درک سهم وی در روند کلی پیشرفت علم است.

به مناسبت دو هزار و پانصدمین سالگرد بنای زادگاه ابومحمود، شهر خجندی و پنجاهمین سال تغییر نام این شهر به لنین‌آباد،^۱ بر آن شدیم تا میراث خجندی بزرگ را گردآوری و تجزیه و تحلیل کنیم، احترام نسلها را در حق او ادا کنیم و از دانشمندان بخواهیم در باره نوشته‌هایش به جست‌وجو پردازند؛ استادان و هنرمندان و فرهنگیان سهم خود را در ارج‌گذاری به نیاکان خویش ادا، و نظر همگان را به شخصیت او جلب کنند. ابومحمود نخستین کسی از خجندی بود که به تاریخ هزار ساله فرهنگ این شهر بزرگ پرداخت که در آن سده آراسته با نام دهها پسر و دختر مشهور — دانشمندان، شاعران و نویسندگان، موسیقی‌دانان و

۱. نام این شهر بعداً دوباره به خجندی برگردانده شد. م

سرایندگان، نقاشان و هنرمندان است. تاجداران این گروه نامدار، ابومحمود خجندی (سدهٔ دهم / چهارم) مهستی (مهستی) خجندی (سدهٔ دوازدهم / ششم)، کمال خجندی (سدهٔ چهاردهم / هشتم)، ابونصر خجندی (سدهٔ پانزدهم / نهم)، شیدا خجندی (د. ۱۷۴۵ م. / ۱۱۲۴ ش)، عاجز خجندی (سدهٔ هجدهم / دوازدهم)، واقف خجندی (سدهٔ نوزدهم / سیزدهم)، هاتف خجندی (د. ۱۸۴۶ م / ۱۲۲۵ ش)، کاشف (۱۸۲۵-۱۸۸۸ / ۱۲۰۴-۱۲۶۷ ش)، مطرب خجندی (سدهٔ نوزدهم / سیزدهم)، تاشخواجه اسیری (سدهٔ نوزدهم - آغاز سدهٔ بیستم / چهاردهم) معظم‌خان (د. ۱۹۱۷ م / ۱۲۹۶ ش) و صادرخان حافظ می‌باشند.

طبیعی است که این کتاب به عنوان نخستین تجربه می‌تواند کمبودهایی داشته باشد که هم به اندک بودن اطلاعات در دسترس ما، و هم به امکانات ما به عنوان مورخان علم و فرهنگ مربوط است. بسیار خرسند خواهیم شد تا از دیدگاه‌های خوانندگان، حضوری یا به وسیلهٔ نامه و مطبوعات، آگاه شویم. وظیفهٔ خود می‌دانیم تا از پ. ب. باباجانوف عضو فرهنگستان علوم تاجیکستان به خاطر توصیه‌های ارزشمندشان عمیقاً سپاسگزارى کنیم.

نویسندگان